

درآمدهای نفتی و گسترش مداخله دولت در اقتصاد، سیاستهای اقتصاد کلان هزینه‌های هنگفتی را بر اقتصاد تحمیل کرده و به تبع آن، آثار تخصصی و توزیع گسترده‌ای را از این سیاستها متحمل شده است. از سوی دیگر، اگر کاهش قدرت خرید هر دلار درآمد نفتی ایران، نوسانات قیمت نفت، رشد سریع جمعیت و سهم بزرگ جمعیت جوان که در استانه ورود به بازار کار است، در نظر گرفته شود، آشکار می‌گردد که معلوم نیست جامعه چه از نظر قدرت تحمل هزینه‌ها و چه به لحاظ سطح انتظارات و تحمل روانی - تا چه وقت توان تحمل سیاستهای اقتصاد کلان را دارد. بدیهی است با توجه به حضور بخش قابل توجهی از نیروی کار در بخش غیررسمی و کارکردهای آن در پهنه اقتصاد ملی، شناخت این بخش در عرصه سیاستگذاری بسیار ضروری به نظر می‌رسد. از این رو این پژوهش به تبیین بخش غیر رسمی پرداخته است.

آنچه در این مقاله بدان می‌پردازیم، بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری است. از این رهگذر، سهم بخش غیررسمی از بازار کار شهری و همچنین واکنش این بخش در قبال تغییرات اشتغال بخش رسمی مورد نظر است تا روشن گردد که سیاستهای اشتغال‌زایی دولت (بخش رسمی) چه تأثیری بر اشتغال بخش غیررسمی و به تبع آن، بازار کار ملی خواهد گذاشت؛ به علاوه مقایسه متوسط درآمد نیروی کار بخش رسمی و غیر رسمی شهری و همچنین ترکیب مشاغل در درون بخش غیررسمی از دیگر نکات مورد توجه این مطالعه است. پس از آن به اتکای یافته‌های مقاله، و بر اساس پیش‌بینی‌های موجود از وضعیت بازار کار ایران در دهه ۱۳۸۰، ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری در دهه آینده پیش‌بینی خواهد شد. در بخش آخر به ارائه پیشنهادها و سیاست‌های مناسب در مواجهه با این بخش اختصاص دارد.

لازم به ذکر است داده‌های این مطالعه از پرسشنامه خام درآمد و هزینه خانوار مرکز آمار ایران در دوره زمانی ۱۳۷۶-۱۳۶۲ استخراج شده و به علاوه در آزمون واکنش بخش غیررسمی در مقابل تغییرات اشتغال در بخش رسمی از مدل ساده رگرسیون خطی و لگاریتمی استفاده شده است.

الف - مقدمه

شاخه‌های متعددی از علم اقتصاد وجود دارند که هر یک از آنها به زمینه‌ای خاص توجه می‌کند. برای مثال می‌توان به اقتصاد رفاه، اقتصاد پولی اقتصاد غیر رسمی، اقتصاد خرد و... اشاره کرد که در این بین به اقتصاد غیر رسمی کمتر توجه گردیده است. در مفهوم وسیع، منظور از اقتصاد غیر رسمی، کلیه فعالیت‌هایی است که به طور کامل در حسابهای ملی نمی‌آید و به چهار بخش تقسیم می‌گردد:

۱. بخش خانوار که کالا و خدماتی تولید می‌کند که در همین بخش مصرف می‌شود.

۲. بخش نامنظم که به دلیل فرار از مالیات یا قانون، تولید واقعی آن در حسابهای مالی انعکاس نمی‌یابد.

۳. بخش غیر قانونی که تولیدات این بخش شامل فعالیت‌های خلاف قانون نظیر مال دزدی، اخاذی و قاچاق و... است.

۴. بخش غیر رسمی که تولیدات این بخش به دلیل ویژگی‌هایی از قبیل مالکیت خانوادگی بنگاه، و عملکرد در مقیاس کوچک در حسابهای ملی ملحوظ نمی‌گردد.

امروزه در متون اقتصادی، بازار کار به عنوان محور اصلی مباحث مورد توجه قرار گرفته است. این امر به دلیل نقش محوری بازار کار در ساز و کار اقتصادی اعم از طرف عرضه و تقاضا است؛ زیرا نیروی کار از یک سو به عنوان تولید نقش اساسی در طرف عرضه و تابع تولید دارد و از سوی دیگر سهم قابل توجهی از تقاضای کل را به خود اختصاص می‌دهد. در این بین، بازار کار، به عنوان تسهیل کننده تولید و توزیع درآمد نقش مهمی ایفا می‌کند. با توجه به اینکه بخش غیر رسمی، بخش قابل توجهی از نیروی کار در این بخش است، بررسی ساختار بازار کار این بخش با اهمیت جلوه می‌نماید. لازم به ذکر است آنچه در این بحث به عنوان ساختار بازار کار مورد توجه قرار می‌گیرد، اول، سهم اشتغال بخش غیر رسمی از بازار کار شهری و دوم، نوع ارتباط اشتغال بین بخش غیر رسمی شهری است.

در این مطالعه، ابتدا به مفاهیم و ویژگی‌های موجود از بخش غیر رسمی اشاره می‌گردد، سپس تصویری از بازار کار ایران ارائه می‌گردد و در قسمت سوم، تعریف مناسبی از بخش غیر رسمی متناسب با ساختار اقتصادی- اجتماعی ایران خواهد شد. در قسمت چهارم به مطالعه آماری بخش غیر رسمی می‌پردازیم و آنگاه بخش غیر رسمی در دهه ۱۳۸۰ را بررسی خواهیم کرد. قسمت پایانی نوشته، به جمع‌بندی مطالب و ارائه پیشنهادها اختصاص دارد.

ب - مفاهیم بخش غیر رسمی:

یکی از ویژگی‌های خاص متون بخش غیر رسمی، تلقیها و مفاهیم متفاوتی است که بر این بخش سایه افکنده است. لازم به ذکر است که در اغلب این مفاهیم، معیارهایی معرفی گردیده‌اند که بر اساس آنها سعی در تفکیک بخش غیر رسمی از بخش رسمی است.

ب-۱- بخش غیر رسمی بر حسب نوع کسب درآمد: یکی از راههای تفکیک بخش رسمی از بخش غیر رسمی، تفکیک بر حسب نوع کسب درآمد شاغلان اقتصادی است. که این امر، اولین بار توسط «کیت هارت» معرفی گردید. در اینجا شاغلان «حقوق بگیر» اعم از بخش

عمومی و بخش خصوصی و مستمری بگیران در زمره بخش رسمی، و فعالان مشاغل شخصی اعم از مشروع (کشاورزی، باغبانی، ساختمان سازی و...) و نامشروع (اخاذی، رشوه و...) در بخش غیر رسمی محاسبه گردیده‌اند. لازم به ذکر است که اغلب اقتصاد دانان فعالیت غیر رسمی نامشروع را به دلیل ماهیت از بخش غیر رسمی خارج کرده‌اند.

ب- ۲- تفکیک بخش غیر رسمی بر حسب نوع ارتباط بنگاه با دولت: در این مفهوم، نوع ارتباط بنگاه به دولت، عامل اصلی تفکیک بخش رسمی و غیر رسمی است. این رویکرد که اولین بار توسط «ویکز» عنوان گردیده با دیدگاه‌های ILO نسبت به بخش غیر رسمی تطابق بسیار دارد. در این رویکرد «بخش رسمی شامل مؤسسات دولتی و آن دسته از مؤسسات بخش خصوصی است که به طور رسمی فعالیت می‌کنند و منبع تابع قوانین و مقررات وضع شده‌اند» از این رو، در این رویکرد، بنگاهها و مؤسسات اقتصادی بسیاری به فعالیت مشغول هستند که مشابه آنها در بخش غیر رسمی وجود دارد، اما به علت عدم ارتباطشان با قوانین و مقررات دولتی در زمره «بخش غیر رسمی» منظور می‌گردند. اما در اینکه کدام دسته از قوانین مورد نظر این مفهومند صراحت کافی وجود ندارد، اگر چه به نظر می‌رسد این مورد به نوع ساختارهای قانونی-اقتصادی جامعه باز می‌گردد. برای مثال می‌توان، بنگاههایی را که در فهرست مالیاتی برخی کشورهای امریکای لاتین هستند در زمره بخش غیر رسمی به شمار می‌آورند.

ب- ۳- تفکیک بخش غیر رسمی بر حسب اشتغال: مطالعه دیگری که مورد «بخش غیر رسمی» انجام گرفته، تفکیک بخش رسمی از غیر رسمی را بر حسب میزان حمایت شغلی صورت داده است. این مفهوم از بخش غیر رسمی توسط «مزومدار» در بانک جهانی ارائه گردیده است. در این تعریف، مترادف بخش حمایت شده در نظر گرفته شده که چنین حمایتی موجب بالا رفتن دستمزدها و بهبود شرایط کاری در این بخش می‌گردد. این حمایتها می‌توانند مواردی از قبیل تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری و قوانین کار را در بر گیرند و بدین ترتیب، شاغلین فاقد حمایت در بخش غیر رسمی قرار می‌گیرند.

ب- ۴- تفکیک بخش غیر رسمی بر حسب انگیزه فعالیت بنگاهها: یکی از دیگر راههایی که تفکیک «بخش رسمی» و «غیر رسمی» را امکان پذیر می‌سازد، تمایز بین ایجاد بنگاهها بر اساس انگیزه فعالیت اقتصادی است. در متون اقتصاد خرد، انگیزه فعالیت بنگاه کسب سود است و صاحبان بنگاه در پی حداکثر سازی سود وارد بازار می‌شوند، اما در این مفهوم، حضور در بخش غیر رسمی صرفاً ایجاد شغل است، و نتیجه آنکه در بخش غیر رسمی ایجاد بنگاه بر

اساس امکانات عرضه و تقاضا و بازدهی سرمایه گذاری نیست، بلکه نیروی کار این بخش با سرمایه و مهارت اندک فقط به ایجاد شغل فکر می‌کند.

ب-۵- تفکیک بخش غیر رسمی بر حسب نوع ارتباط صاحبان کار و سرمایه: رویکرد دیگری که سعی در ارائه مفهومی از بخش غیر رسمی دارد، چگونگی توزیع و نوع مالکیت وسایل تولید را مبنا قرار داده و معتقد است: «مشاغل و فعالیتهایی غیر رسمی هستند که صاحبان کار و سرمایه آن، رابطه نامشخص و مبهم با ابزار و وسایل تولید داشته باشند». از این دیدگاه، شاغلان بخش غیر رسمی، بین دو قطب کار و سرمایه در حال نوسانند. به عبارت دیگر، این دسته از افراد نه کارگرفته‌اند، نه سرمایه‌دار، بلکه ترکیب مبهمی از این دو به شمار می‌آیند.

ب-۶- دیدگاه مارکسیستها و بخش غیر رسمی: در نگاه مارکسیستها، محور اصلی بحث، استثمار «بخش غیر رسمی» توسط «بخش رسمی» است. در این رویکرد، بخش غیر رسمی، نتیجه فرصت طلبیها و بهره‌کشیهای بخش غیر رسمی از نیروی کار است که سه کارکرد مهم را ایفاء می‌گردد:

- ذخیره نیروی کار بخش رسمی،

- تولید کالاهای ارزان مورد نیاز بخش رسمی،

- تسهیل جریان انباشت سرمایه بخش رسمی به دلیل نیاز به سرمایه گذاری اندک و کاربرد بودن فعالیت در آن.

آنچه تا کنون ارائه گردیده، مجموعه مفاهیمی است که در متون بخش غیر رسمی بدان اشاره شده، اما واقعیت آن است که وجود مفاهیم متعدد، بنگاه و نیروی کار بخش غیر رسمی از ویژگیهایی برخوردارند که تاحدودی در همه مفاهیم مشترک است و عبارتند از:

۱- آزادی ورود و خروج: پایین بودن هزینه‌های مالی و زمانی ورود و خروج به دلیل نا کارآمدی قوانین و مقررات، و پایین بودن سطح سرمایه و مهارت موجب گردیده که بنگاهها و نیروی کار بخش غیر رسمی، انعطاف پذیری بالایی در ورود یا خروج به بازار داشته باشند.

۲- اتکا به منابع داخلی: توان اندک سرمایه گذاری و پایین بودن سطح مهارت و دانش فنی در بخش غیر رسمی موجب گردیده که فعالیتهایی در این بخش ایجاد گردند که نه امکان برقراری چنین ارتباطی را دارند و نه نیازمند آن هستند.

۳- مالکیت خانوادگی بنگاهها: ایجاد بنگاه اقتصادی و اداره آن توسط اعضای یک خانوار از ویژگیهای مهم «بخش غیر رسمی» است. مهمترین دلیلی که برای خانوادگی بودن مالکیت بنگاهها در بخش غیر رسمی می‌توان مطرح کرد، عدم نیاز به مهارت و سرمایه زیاد در آن است که امکان تأسیس بنگاه و استفاده از افراد خانوار را در جریان تولید فراهم می‌سازد. معیارهایی از

قبیل «کارکن مستقل و کارکن فامیلی» در بخش غیر رسمی اشاره به این ویژگی دارد.

۴- عملکرد در مقیاس کوچک: فقدان سرمایه و تخصص مورد نیاز برای تأسیس و ادارهٔ بنگاههای بزرگ و عدم دسترسی به منابع و اعتبارات بانکی و دولتی موجب می‌شود که بنگاههای این بخش در محدوده‌ای کوچک به فعالیت بپردازند. امکان فعالیت در ورای قانون را به بنگاههای این بخش می‌دهد.

۵- کسب مهارتها در خارج از سیستم رسمی آموزش: ورود نیروی کار غیر ماهر در بنگاه و کسب تجربه در آن و عدم ارتباط با مراکز آموزشی رسمی از ویژگیهای بخش غیر رسمی است. که دلایل عمدهٔ آن اول، کاربرد بودن فعالیتها و عدم استفاده از تکنولوژیهای پیشرفته در این بخش است. که ضرورت برقراری این ارتباط را منفی می‌سازد، و دوم، ناکارآمدی سیستم آموزشی رسمی است که در راستای نیازهای آموزشی این بخش برنامه ریزی نمی‌کند.

نمونهٔ آشکار کسب مهارت در خارج از سیستم رسمی آموزش، کارآموزی در قالب سیستم استاد شاگردی است که علاوه بر کاهش هزینه‌ها و افزایش سود دهی، با جذب نیروی کار جوان، از بیکاری آشکار در شهرها جلوگیری می‌کند.

۶- وجود بازار رقابتی و فاقد کنترل: دخالت دولت در چارچوب قوانین حمایتی نیروی کار، قیمتگذاری و ... موجب اختلال در بازار به ویژه بازار کار گردیده، بر عنصر رقابت خدشه وارد می‌سازد. یکی از ویژگیهای بخش غیر رسمی، اعمال عدم کنترلهای دولتی در بازار کار و تولیدات آن است که نتیجه حرکت در ورای قانون و عدم ارتباط این بنگاهها با دولت است.

ویژگیهای بششگانه ارائه شده، حاصل مجموعه مطالعات و بررسیهای انجام گرفته در بخش غیر رسمی است. این ویژگیها، مفاهیم اشاره شده در مورد بخش غیر رسمی را در بر دارد که مورد تأیید بسیاری از نهادهای بین المللی به ویژه ILO و بانک جهانی است.

ج- تصویری از بازار کار ایران:

به طور کلی ویژگیهای بازار کار ایران عبارتند از:

۱- رشد بالای جمعیت: رشد بالای جمعیت از مشخصه‌های اقتصادی ایران در دهه‌های اخیر است. افزایش جمعیت جوان در آستانه ورود به بازار کار و عدم توانایی اقتصاد رسمی - به ویژه بخش دولتی در ایجاد اشتغال، موجب گردیده که زمینه حضور در بخش غیر رسمی بسیار مهیا باشد.

۲- رشد بیکاری: بخش غیر رسمی به دلیل انعطاف پذیری بالا می‌تواند بخش قابل توجهی از نیروی کار را که موفق به یافتن شغلی در بخش رسمی نشده جذب کند. از سوی دیگر، نرخ رشد بالای بیکاری علی رغم رشد اشتغال در دههٔ اخیر، حاکی از آن است که در این سالها همواره زمینه‌های حضور در بخش غیر رسمی فراهم بوده است.

۳- توزیع اشتغال به تفکیک خصوصی یا عمومی: با توجه به توافق کارشناسان اقتصادی بر رسمی بودن نیروی کار در بخش عمومی و سهم بالای اشتغال این بخش، جریان اشتغال بخش عمومی می‌تواند تا حدودی گویای وضعیت بازار کار ایران باشد. در این موارد به نکات زیر می‌توان اشاره کرد:

- طی سالهای ۱۳۷۰-۱۳۵۵ سهم دولت از اشتغال کل در حال افزایش بوده، ولی از این سال به بعد کاهش یافته است، به طوری که از ۳۴ درصد به ۳۰ درصد رسیده است، حال آنکه سهم بخش خصوصی در همه بخشهای اقتصادی افزایش یافته است.

- تمرکز نیروی کار در بخش خدمات در دهه‌های اخیر رو به افزایش بوده، به طوری که در طی چهار دهه گذشته از ۲۴ درصد به ۴۴ درصد رسیده است. این ملاحظات گویای آن است که امکان گسترش بخش غیر رسمی در طی دهه‌های اخیر همواره فراهم بوده است.

۴- مهاجرت: در متون اقتصادی، یکی از علل عمده گسترش غیر رسمی، مهاجرت روستائیان به شهرها معرفی می‌گردد که با سرمایه و مهارت اندک چاره‌ای جز حضور در فعالیتهای غیر رسمی ندارند. از این منظر، گسترش بخش غیر رسمی در ایران در دوران اخیر بوده، به طوری که حتی در دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵ که امکانات رفاهی و اشتغال در روستاها افزایش یافته، کماکان مهاجرت شدیدی به شهرها وجود داشته و در این دوره نسبت به دهه قبل میزان مهاجرت ۵۰ درصد افزایش یافته است.

۵- توزیع اشتغال خصوصی بر اساس مالکیت بنگاه: از ویژگیهای بخش غیر رسمی، مالکیت خانوادگی بنگاهها و عملکرد در مقیاس کوچک است. از این رو شناخت مالکیت بنگاههای بخش خصوصی در شناسایی بخش غیر رسمی بسیار راهگشا است. در این مورد باید گفت که وضعیت نیروی کار در خصوص بنگاه در چهار شکل کارفرما، کارکن مستقل، مزد و حقوق بگیر و کارکن فامیلی خلاصه می‌شود که دو نوع کارکن مستقل و کارکن فامیلی دلالت بر مالکیت خانوادگی بنگاه نیز دارد. در دوره ۱۳۷۵-۱۳۶۵ سهم کارکنان مستقل و کارکنان، به ترتیب از ۶۲ درصد و ۶ درصد به ۵۴ درصد و ۸ درصد از کل اشتغال خصوصی تغییر یافته است. البته اگر چه سهم کارکنان مستقل کاهش یافته، ولی هنوز بخش عمده‌ای از اشتغال بخش غیر رسمی را یادآور می‌سازد، بر کوچک بودن عملکرد در مقیاس سهم عمده‌ای از بنگاههای خصوصی کشور نیز دلالت دارد.

د - بخش غیر رسمی شهری ایران:

همان طوری که در قسمت «ب» اشاره گردید، بر اساس دیدگاههای مرسوم اقتصادی، پنج مفهوم متفاوت برای بخش غیر رسمی وجود دارد، اما همگی آنها بر ویژگیهای نسبتاً یکسانی همچون

مالکیت خانوادگی، تکنولوژی کاربر، بازار رقابتی و فاقد کنترل... تکیه دارند. مطالعه واقعیات اقتصادی-اجتماعی ایران و نوع و حوزه قوانینی همچون قوانین کار، تأمین اجتماعی، مالیات و مجوزهای کار و کسب شهرداری موجب گردید که «معیار پرداخت مالیات» به عنوان شاخص تفکیک بخش غیر رسمی از رسمی انتخاب گردد، زیرا اعتقاد بر آن بود که قوانین مالیاتی علاوه بر آنکه از اعتبار قانونی بیشتری برخوردارند بر کلیه نیروی کارفرما، کارکن مستقل و... شمول دارند و در سطح گسترده به اجرا در می آیند. از این رو و با استفاده از آمار خام پرسشنامه درآمد و هزینه خانوار و بر اساس معیار پرداخت مالیات شغلی، نیروی کار شهری تفکیک و آن دسته از نیروی کاری که مالیات شغلی پرداخت نمی کرد، در زمره بخش غیر رسمی قرار گرفت.

همچنین برای اطمینان از اینکه مالیات معیار مناسبی برای تفکیک بخش رسمی از غیر رسمی است، به شناسایی درونی نیروی کار بخش غیر رسمی پرداخته شد و شاغلین مورد بحث بر حسب نوع اشتغال و مالکیت بنگاهها مورد بررسی قرار گرفتند.

دوره زمانی این مطالعه دوره ۱۳۷۶-۱۳۶۴ است. از آنجا که ساختارهای بازار کار در دوره های کوتاه مدت قابل تغییر هستند، در این مطالعه، سال ۱۳۶۴، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ مورد بررسی قرار گرفت. علت انتخاب این سالها، شرایط خاص حاکم بر اقتصاد کشور در آنها بوده است. دوره سال ۱۳۶۴ به عنوان بحرانی ترین سال جنگ، سال ۱۳۶۸ و ۱۳۷۲ به عنوان آغاز و پایان برنامه اول توسعه کشور و سال ۱۳۷۶ به عنوان آخرین سال قابل مطالعه، حائز اهمیت بوده است.

جدول ۱ گویای تعداد خانوار شهری و نیروی کار شاغل در آنها است. که در پرسشنامه درآمد و هزینه خانوار مرکز آمار ایران درج شده است. از بین این تعداد نیروی کار شهری، شاغلانی که مالیات پرداخت نمی کردند، تفکیک و در جدول ۲ به عنوان بخش غیر رسمی آورده شدند. بر اساس این تفکیک، مشاهده گردید که سهم اشتغال بخش غیر رسمی از بلز کار شهری حدود ۶۰-۶۵ درصد را شامل می گردد، به طوری که در سال ۱۳۶۴ در اوج دوران جنگ بالاترین سهم را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۳۶۸، یعنی سال آغاز برنامه اول، این سهم کاهش یافته و تا پایان برنامه در حدود یک سطح ثابت مانده است. از سال ۱۳۷۲ با کاهش درآمدی نفتی و رکود اقتصادی، این سهم دوباره افزایش یافته و به ۶۳/۱ درصد رسیده است.

جدول ۱: اطلاعات جامعه آماری

| سال | ۱۳۶۴ | ۱۳۶۸ | ۱۳۷۲ | ۱۳۷۶ |
|----------------|-------|------|------|-------|
| تعداد خانواده | ۱۳۴۳۷ | ۵۴۹۲ | ۶۶۰۴ | ۸۹۴۱ |
| نیروی کار شهری | ۱۷۳۰۲ | ۷۴۵۹ | ۹۳۶۰ | ۱۱۶۸۴ |

مآخذ: پرسشنامه درآمد و هزینه خانوار، مرکز آمار ایران

جدول ۲: توزیع اشتغال در بازار کار

| ۱۳۷۶ | | ۱۳۷۲ | | ۱۳۶۸ | | ۱۳۶۴ | | بازار کار شهری |
|-------|------|-------|------|-------|------|-------|-------|----------------|
| تعداد | سهم | تعداد | سهم | تعداد | سهم | تعداد | سهم | |
| ۲۳۰۲ | ۳۶/۸ | ۲۸/۲ | ۳۶۳۸ | ۲۸/۷ | ۲۸۹۰ | ۳۴/۵ | ۵۹۷۲ | بخش رسمی |
| ۷۳۸۲ | ۶۲/۱ | ۶۱/۶ | ۵۷۲۲ | ۶۱/۳ | ۴۵۶۹ | ۶۵/۵ | ۱۱۳۳۰ | بخش غیر رسمی |
| ۱۱۶۸۴ | ۱۰۰ | ۹۴۶۰ | ۱۰۰ | ۷۴۵۹ | ۱۰۰ | ۱۷۳۰۲ | ۱۰۰ | جمع |

مأخذ: پرسشنامه درآمد و هزینه خانوار، مرکز آمار ایران

جدول ۳ توزیع اشتغال بخش غیر رسمی را بر اساس نوع شغل نشان می‌دهد و گویای این است که عمده حاضران بخش غیر رسمی، همچون دوره‌گردها، کارگران ساده و... در این جدول ویژگی پایین بودن سرمایه‌گذاری و انعطاف پذیری ورود و خروج برخوردار بوده است. به علاوه این مشاغل، ماهیت خدماتی دارند که با ویژگیهای ذکر شده بخش غیر رسمی سازگار است. این امر نشان می‌دهد که معیار پرداخت مالیات، بدین لحاظ قابل اطمینان است.

جدول ۳: توزیع اشتغال در بخش غیر رسمی به تفکیک نوع شغل

| ۱۳۷۶ | | ۱۳۷۲ | | ۱۳۶۸ | | ۱۳۶۴ | | نوع مشاغل |
|-------|-----|-------|-----|-------|-----|-------|-----|---|
| تعداد | سهم | تعداد | سهم | تعداد | سهم | تعداد | سهم | |
| ۸۹۶ | ۱۲ | ۴۴۹ | ۷ | ۴۲۱ | ۹ | ۱۱۰۲ | ۱۰ | امور کشاورزی |
| ۴۴۰ | ۶ | ۳۳۸ | ۵ | ۳۵۸ | ۸ | ۹۲۷ | ۸ | امور دامپروری |
| ۱۱۰۳ | ۱۵ | ۷۹۱ | ۱۳ | ۶۷۶ | ۱۵ | ۱۵۴۷ | ۱۴ | فروشدگان |
| ۱۹۷ | ۳ | ۱۰۴ | ۲ | ۱۰۵ | ۲ | ۳۲۲ | ۳ | دوره‌گردها |
| ۶۶۸ | ۹ | ۴۶۴ | ۸ | ۳۳۱ | ۷ | ۹۴۴ | ۸ | رانتدگان |
| ۷۴۸ | ۱۰ | ۲۹۱ | ۷ | ۵۰۵ | ۱۱ | ۱۳۰۱ | ۱۱ | کارگران ساده... |
| ۳۳۳۰ | ۴۵ | ۳۲۵۵ | ۵۸ | ۲۱۷۳ | ۴۱ | ۵۱۸۷ | ۴۶ | سایر مشاغل، شامل کارگران ماهر و تعمیرکار... |
| ۷۳۸۲ | ۱۰۰ | ۵۷۲۲ | ۱۰۰ | ۴۵۶۶۹ | ۱۰۰ | ۱۱۳۳۰ | ۱۰۰ | جمع |

مأخذ: پرسشنامه درآمد و هزینه خانوار، مرکز آمار ایران

جدول ۴ توزیع اشتغال بخش غیر رسمی را بر اساس مالکیت بنگاه نشان می‌دهد. این بررسی که برای سال ۱۳۷۶ و ۱۳۷۲ انجام گردیده، نشان می‌دهد که از کل نیروی کار بخش غیر رسمی در

این دو سال، به ترتیب ۶۴ و ۶۱ درصد به نوعی صاحب کار و سرمایه بوده‌اند. این امر اشاره به مالکیت خانوادگی بنگاههای بخش غیر رسمی دارد که یکی از ویژگیهای بخش غیر رسمی عنوان گردیده است. همچنین چنانچه فرض شود که تعداد بنگاهها برابر تعداد کارفرماها است، از تقسیم تعداد شاغلان مزد و حقوق بگیرر تعداد کارفرما می‌توان به مقیاس بنگاهها در بخش غیر رسمی رسید که حدود عدد ۶ برای دو سال می‌شود که به عملکرد در مقیاس کوچک این بنگاهها اشاره دارد. اگر کارکنان مستقل نیز محاسبه گردند، این رقم به حدود ۱/۶ تنزل خواهد یافت. در هر صورت، نتایج حاصل از توزیع اشتغال بر اساس مالکیت بنگاه نشان می‌دهد که معیار مالیات پرورش دهنده سایر تعاریف و ویژگیهای موجود بخش غیر رسمی است.

جدول ۴: توزیع اشتغال بر حسب مالکیت بنگاه

| ۱۳۷۶ | | ۱۳۷۲ | | اشتغال |
|------|-------|------|-------|-----------------|
| درصد | تعداد | درصد | تعداد | |
| ۸ | ۵۹۸ | ۶ | ۳۸۷ | کارفرما |
| ۴۵ | ۳۲۷۲ | ۵۲ | ۲۸۹۳ | کارکن مستقل |
| ۹ | ۶۳۱ | ۶ | ۳۶۸ | کارکن فامیلی |
| ۳۹ | ۲۹۱۱ | ۳۶ | ۲۰۷۴ | مزد و حقوق بگیر |
| ۱۰۰ | ۷۳۸۲ | ۱۰۰ | ۵۷۲۲ | جمع |

مأخذ: پرسشنامه درآمد هزینه خانوار، مرکز آمار ایران

در پایان مطالعه آماری بخش غیر رسمی شهری ایران، به منظور شناخت نوع ارتباط بین تغییرات در بخش رسمی و غیر رسمی آموزشی رگرسیونی صورت گرفت. این آزمون فقط به منظور نشان دادن نوع ارتباط این دو بخش صورت گرفته و به هیچ وجه ارائه مدل توجیهی مد نظر نبوده است. این آزمون برای هر سال به طور جداگانه و به صورت رگرسیون خطی و لگاریتمی می‌باشد. داده‌های این آزمون نیز آمارهای بخش غیر رسمی به تفکیک استانهای کشور است که نتایج آن در جدول زیر ارائه گردیده است.

همان طوری که مشاهده می‌گردد، معادلات به لحاظ آماری از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردارند. نتایج نشان می‌دهد که در همه معادلات رگرسیونی، ارتباط مثبتی بین بخش رسمی و غیر رسمی برقرار بوده است، به علاوه معادلات لگاریتمی نشان می‌دهند که کشش بین تغییرات اشتغال در بخش غیر رسمی نسبت به بخش رسمی کمتر از یک می‌باشد، بدین معنا که افزایش

(کاهش) اشتغال در بخش رسمی با افزایش (کاهش) اشتغال در بخش غیر رسمی با سرعت کمتری همراه خواهد بود.

خطی لگاریتمی

| IF= C + αF | | | | | LIF= C + α LF | | | | | |
|------------|------------------|----------------|------------|----------------|---------------|-----------------|-----------------|------------|----------------|---------|
| | C | α | آزمون وایت | R ² | آماره F | C | α | آزمون وایت | R ² | آماره F |
| ۱۳۶۴ | ۱۷۳ (۲/۳۴)* | ۱/۲۵ (۵/۲۹) | ۰/۱۸ | ۰/۵۷ | ۰/۲۸ | ۲/۱۴ (۲/۷) | ۰/۷۲ (۴/۸۹) | ۰/۱۹ | ۰/۵۳ | ۲۴ |
| ۱۳۶۸ | ۴۲ (۱/۴۱) | ۱/۲۰ (۱۰) | ۰/۳۴ | ۰/۸۱ | ۱۰۲ | ۰/۲۸ (۵/۳۴) | ۱/۰۱۵ (۵/۴۴) | ۰/۱۲ | ۰/۵۷ | ۲۹ |
| ۱۳۷۲ | -۶/۰۷ (-۰/۲۷) | ۱/۶۱ (۱۳) | ۰/۱۲ | ۰/۸۸ | ۱۷۷ | ۱/۰۰۵ (۲/۶۷) | ۰/۸۷ (۱۰/۷) | ۰/۰۸ | ۰/۸۴ | ۱۱۵ |
| ۱۳۷۶ | ۷۰ (۱/۶۸) | ۱/۲۰ (۶/۶۳) | ۰/۳ | ۰/۶۴ | ۴۴ | ۰/۷۷ (۱/۰۱) | ۰/۹۲ (۶/۰۱) | ۰/۰۶ | ۰/۶۰ | ۳۶ |

* : اعداد داخل پرانتز آماره T ضرائب

ه - بخش غیر رسمی در دهه ۱۳۸۰

با شناخت ابعاد بخش غیر رسمی در دهه ۱۳۸۰ می توان جایگاه این بخش را در آینده ترسیم کرد. با توجه به حضور جمعیت جوان در آستانه وزود به بازار کار، پیش بینی های انجام گرفته از بازار کار نشان از عرضه شدید نیروی کار در این دهه دارد. گزارش دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه در مورد وضعیت بازار کار ایران در دهه ۸۰ نیز گویای این واقعیت است. فروض حاکم بر این پیش بینی عبارتند از:

- نرخ مشاكت بر اساس جمعیت ۱۵ سال و بیشتر می باشد.

- نرخ بیکاری در طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۰ ثابت می ماند. به عبارت دیگر، فرض شده که سالانه ۸۳۸ هزار فرصت شغلی در کشور ایجاد می شود که خلاصه این وضعیت در جدول ۵ ارائه شده است.

با توجه به پیش بینی اخیر، جمعیت فعال ایران در سال ۱۳۸۵ به ۵۱ میلیون نفر خواهند رسید که با توجه به فرض نرخ مشارکت ۴۹ درصدی، حدود ۲۵ میلیون نفر، میزان عرضه نیروی کار در این سال خواهد بود. چنانچه فرض شود که نرخ عرضه نیروی کار در مناطق شهری برابر

نرخ شهر نشینی کل کشور باشد،^(۱) با توجه به نرخ شهر نشینی ۶۱/۹ درصد در سال ۱۳۷۷،^(۲) عرضه نیروی کار شهری حدود ۱۵/۵ میلیون نفر خواهد بود.

از سوی دیگر، اعتقاد بر این است که سهم بخش غیر رسمی از بازار کار شهری در بهترین شرایط رونق اقتصاد ملی نمی تواند کمتر از ۶۰ درصد باشد که در این باره اشاره به موارد زیر ضروری است:

جدول ۵: وضعیت بازار کار ایران در دهه ۱۳۸۰

| سال | جمعیت ۱۵ سال و بیشتر | نرخ مشارکت نیروی کار (درصد) | عرضه نیروی کار | تعداد بیکاران | نرخ بیکاری (درصد) |
|------|----------------------|-----------------------------|----------------|---------------|-------------------|
| ۱۳۷۵ | ۳۶۳۲۹/۹ | ۴۳/۱ | ۱۵۶۵۹/۲ | ۱۳۵۲ | ۸/۶ |
| ۱۳۸۰ | ۴۳۸۴۵/۶ | ۴۶ | ۲۰۱۶۹ | ۱۸۲۵ | ۸/۶ |
| ۱۳۸۵ | ۵۰۶۵۷/۴ | ۴۹ | ۲۴۸۲/۱ | ۲۱۳۴ | ۸/۶ |

مأخذ: بررسی وضع موجود بازار کار و پیش بینی تحولات آن در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ معاونت امور اقتصادی و هماهنگی دفتر اقتصادی کلان، اسفند ۱۳۷۶

۱. همان طور که گفته شد با فرض نرخ بیکاری ۸/۶ درصد در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵، باید ۸۳۸ هزار فرصت شغلی ایجاد گردد که این میزان ۶۷ درصد از فرصتهای شغلی ایجاد شده در دوره (۱۳۶۵-۱۳۷۵) است. لذا به نظر می رسد که ایجاد این تعداد فرصت شغلی در طول یک سال در بخش رسمی غیر ممکن است و با توجه به آزادی ورود به بخش غیر رسمی، اگر این میزان افزایش نیابد، کمتر نخواهد بود.

۲. تجربه ثابت کرده که در سالهای اخیر، فرصتهای شغلی عمدتاً در مناطق شهری ایجاد شده اند لذا با توجه به افزایش جمعیت جوان در مناطق شهری و نبود فرصتهای شغلی، جریان مهاجرت در سالهای آتی - همانند دهه های گذشته - ادامه خواهند یافت. بنابراین با توجه به اینکه

۱- با توجه به مهاجرت از مناطق روستایی به شهری، پیش بینی می گردد که این نرخ از نرخ شهر نشینی بیشتر باشد.

۲- گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۷ - سازمان برنامه و بودجه - معاونت امور اقتصادی و هماهنگی - دفتر اقتصاد کلان - آذر ۱۳۷۸

بخش قابل توجهی از مهاجران به مناطق شهری جذب بخش غیر رسمی می‌شوند، انتظار می‌رود که سهم اشتغال غیر رسمی در مناطق شهری همچنان حفظ گردد.

۳. پیش بینی عرضه کار در گزارش سازمان برنامه و بودجه بر اساس جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر است، حال آنکه بخش قابل توجهی از نیروی کار بخش غیر رسمی را نوجوانان و کودکان بین ۱۰ تا ۱۵ سال تشکیل می‌دهد که این امر بر افزایش سهم اشتغال بخش غیر رسمی از بازار کار شهری مؤثر می‌باشد.

به اعتبار ملاحظات فوق، می‌توان انتظار داشت که در دهه هشتاد در شرایط خوش بینانه حداقل ۶۰ درصد عرضه نیروی کار شهری یعنی حدود ۹/۳ میلیون نفر در بخش غیر رسمی جا بگیرند که دلیل آن، سهولت ورود به این بخش (برابری عرضه و تقاضای کار) می‌باشد. این میزان از نیروی کار، خبر از اهمیت این بخش در دهه ۱۳۸۰ می‌دهد. چنانچه سیاستگذاران بدون در نظر گرفتن این بخش و ویژگیهای آن اقدام به سیاستگذاری کنند، حداقل ضرری که متوجه اقتصاد ملی می‌گردد آن است که بخش قابل توجهی از نیروی کار و قابلیت‌های آن نادیده گرفته می‌شود. در حالی که در صورت سیاستگذاری مناسب و منطبق با ویژگیهای ساختار بخش غیر رسمی، ضمن کاهش قابل توجه بیکاری، امکان افزایش تولید و درآمد ملی فراهم خواهد شد.

ی - جمع‌بندی و پیشنهادها:

براساس مجموعه مطالب ارائه شده در این پژوهش نتایج کلی زیر قابل ذکرند:

۱. تعریف بخش غیر رسمی شهری ایران با اکثر مفاهیم موجود بخش غیر رسمی سازگاری نسبتاً بالایی دارد و اغلب ویژگیهای این بخش را نیز شامل می‌شود.
۲. یکی از ویژگیهای اقتصاد ایران، ارتباط دوره‌های اقتصادی آن با نوسانات قیمت نفت و درآمدهای نفتی است. از آنجا که سهم اشتغال بخش غیر رسمی ارتباط تنگاتنگی با دوره‌های رونق و رکود دارد، لذا ارتباط بین درآمدهای نفتی و گسترش اشتغال در بخش غیر رسمی امری بدیهی است، بدین معنا که افزایش درآمدهای نفتی منجر به کاهش سهم اشتغال بخش غیر رسمی از بازار کار شهری می‌شود و بالعکس.

۳. وجود ارتباط مثبت بین بخش رسمی و غیر رسمی بر این نکته دلالت دارد که سیاستهای اشتغالزایی در بخش رسمی - به ویژه بخش عمومی - با رشد چشمگیر اشتغال در بخش غیر رسمی و به تبع آن کل اقتصاد همراه خواهد بود. به عبارت دیگر، سیاست اشتغالزایی در بخش رسمی، تأثیری مضاعف بر اشتغال در اقتصاد ملی خواهد گذاشت.

۴. وجود ارتباط مثبت بین اشتغال بخش رسمی و غیر رسمی، نشاندهنده وابستگی اقتصاد ملی به سیاست‌ها اشتغالزایی دولت است. این امر می‌تواند به دلیل سهم قابل توجه بخش عمومی از بخش رسمی می‌باشد.

در چارچوب نتایج این پژوهش، نکات و پیشنهادهای زیر در خور ذکرند:

۱. شک نیست که بخش غیر رسمی با جذب سهم قابل توجهی از نیروی کار، کمک شایانی به کاهش بیکاری، ایجاد درآمد و کاهش فقر در سطح جامعه و اقتصاد می‌کند، اما به هر حال با نارساییها و معضلاتی نیز همراه می‌باشد. معضلاتی همچون سرمایه گذاری پایین، عدم تحول در فن آوری، بهره‌وری پایین و... که بر مجموعه اقتصاد ملی تأثیر می‌گذارد. برای رفع این معضلات، دولت می‌تواند سیاستهای زیر را در پیش بگیرد:

- شفاف کردن فعالیتهای بخش غیر رسمی و تشویق شاغلان آن برای برقراری ارتباط با مراکز رسمی، بدون تحمیل هزینه به آنها تا زمینه سیاستگذاری در این بخش فراهم گردد.

- ایجاد تسهیلات اعتباری و گسترش تسهیلات سرمایه گذاری و صرف نظر کردن از درآمدهای مالیاتی این بخش در سالهای اولیه، تا از این رهگذر امکان سرمایه گذاری در این بخش فراهم شده، به تبع آن، بهره‌وری افزایش یابد، به علاوه این امر امکان دستیابی این بخش را به فن آوری پیشرفته فراهم می‌سازد.

- بالا بردن سطح مهارتها در این بخش از طریق گسترش مراکز فنی و حرفه‌ای سازگار با اهداف بلند مدت صنعتی که زمینه رشد اقتصادی را فراهم می‌سازند.

- سوق دادن مشاغل این بخش به فعالیتهای تولیدی با با افزوده بالا و برقراری ارتباط بین بنگاههای این بخش با بنگاههای بزرگ از طریق قراردادهای فرعی که امکان استفاده بخش غیر رسمی از صرفه‌های مقیاسی بنگاههای بزرگ را موجب می‌شود و همچنین موجب کاهش هزینه‌های بنگاههای بزرگ می‌گردد.

مجموعه این سیاستها به ارتقای سطح فعالیتها و مشاغل بخش غیر رسمی کمک کرده، سبب می‌شود که این بخش همچنان ویژگیهای مثبت خود همچون آزادی ورود و خروج خود را حفظ کند. از سوی دیگر، این سیاستها، افزایش بهره‌وری نیروی کار را در پی خواهند داشت که مآلاً سطح دستمزدها در این بخش را بالا برده، به بهبود توزیع درآمد خواهند انجامید.

۲. هرگونه سیاست کاهش اشتغال در بخش عمومی باید منوط به گسترش اشتغال در بخش خصوصی رسمی باشد. در غیر این صورت، اقتصاد ملی با افزایش شدید بیکاری مواجه خواهد

شد. لذا با توجه به شرایط اقتصادی و عدم حضور بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی به نظر می‌رسد حداقل در کوتاه مدت، سیاست کاهش و اشتغال در بخش عمومی سیاستها پر مخاطره می‌باشد.

۳. در شرایطی که بیش از ۶۰ درصد اشتغال شهری در بخش غیر رسمی تمرکز یافته، انتظار می‌رود که تابع عرضه کل بسیار کم کشش باشد که این امر، موجب بی اثر شدن سیاستهای انبساطی پولی و مالی می‌شود. از این رو پیشنهاد می‌گردد که "تأثیر بخش غیر رسمی شهری بر تابع عرضه کل" به عنوان یک پژوهش مورد توجه قرار گیرد.

در پایان بیان این نکته ضروری است که متون بخش غیر رسمی شهری ایران، گامهای اولیه خود را بر می‌دارد. از آنجا که این بخش از اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد ملی - بخصوص بازار کار - برخوردار است، لذا از دید نگارنده، برانگیختن حساسیت کارشناسان و نهادهای اقتصادی برای شناسایی بخش غیر رسمی از ابعاد مختلف می‌تواند بهترین نتیجه این تحقیق باشد. امید است که این پژوهش توانسته باشد گامی هر چند اندک در بسط متون بخش غیر رسمی برداشته باشد.

فهرست منابع و مآخذ

الف - منابع فارسی

- ۱- توماس، جی.جی. و دیگران؛ "اقتصاد غیر رسمی"؛ منوچهر نوزبخش؛ موسسه تحقیقات پولی و بانکی؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ پاییز ۱۳۷۶.
- ۲- دانش، ابوالحسن؛ «علل گسترش مشاغل کاذب در شهرهای بزرگ»؛ سازمان برنامه و بودجه؛ دفتر جمعیت نیروی انسانی؛ سال ۱۳۶۴.

ب - منابع انگلیسی

- 1-ILO, "Employment, Incomes and Equity: A strategy for Increasing Productive Employment in enya", Geneva, ILO 1972
- 2-ILO, "The Informal sector in Latin America: From underground to Legality", Reading "Too ward social adjustment", ILO (1994). P 141
- 3-Sethuraman S.V. "The urban Infomal sector in Developing Country: Employment, Poverty and Environment". Geneva, ILO 1981
- 4-Arup Mitra. "Industry, Informal sector Employment and Poverty,"The Indian Journsl of Labor Economics, volum 37, Number 3, July_ Septamebr 1994

- 5-Brayan Robert, "The Changing Nature of Informal Employment: The case of Mexico "Raeding" to ward social Adjustment". Geneva. ILO 1994
- 6-Joshi Heather, Harold Iubell and Jean Mouly, "Abidhan urban Development and Employment in Ivory coast" Geneva, IIO 1973
- 7-ILO" Growth, Employment and Equity: Acomprhesive strategy for the sudan" Geneva. IIO 1976
- 8-House William, "Labour Market Differenation in a Developing Economy: An Example from urban Juba, southern sudan". world Development, Vol 15, NO 1,1981
- 9-Lubell Harold "The Informal sector in The 1980s, and 1990s". Development center of the Organisation for Economic Co_ operation and Development. OECD 1991
- 10-House William.J, "Nairobi's Informal sector: Dynamic Enterpreneurs or surplus Labor?", Economic Development and cultural change, VOL 32, NO 2, January 1984
- 11-Nural Amin "The Role of the Informal sector in Economic Development: som Evidence from Dhaka, Bangladesh" International Labour Review, vol. 126,no5, October 1987
- 12-R.S. Tiwari, "Performance of the Informal Vis -a- Vis The formal manufacturing Activities: study of Kan Pur metropolis", The Indian Journal of Labor Economics, VOL-37, NO- 3, July, 1994
- 13-Tokmen Victor. "Policies for a Heterogeneous In formal sector in Latin America" World Development VOL 17, NO 1, July 1987